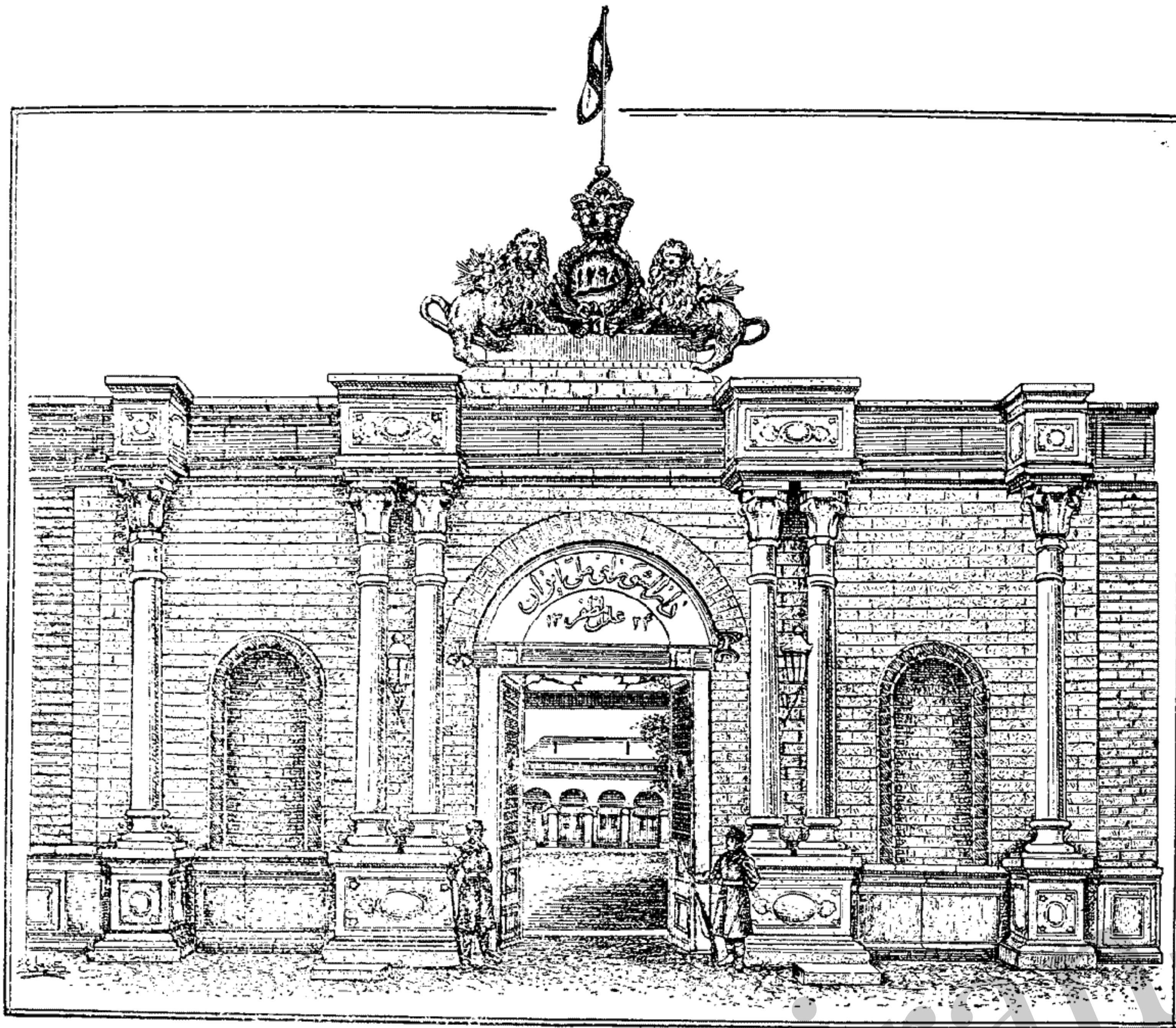


<p>جلسه ۴۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۷ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۱۲ جادی الثانی ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره راجع به خبر کمیسیون بودجه در موضوع اعتبار برای مؤسسات جدید معارفی (ماده ۱ - ۲)	۱۶۰	۱۷۰
۲	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع از آقای وزیر مالیه راجع به مالیات گیلان و جواب آقای وزیر	۱۷۰	۱۷۱
۳	تقدیم لایحه کمک به ملاکین که کاوشان مرده و هم چنین لایحه امتیاز سد رود خانه فاروق	۱۷۱	—
	رمان به علی اصغر زاده از طرف آقای وزیر مالیه	۱۷۱	—
۴	شور نانی و تصویب لایحه معافیت زراعت چای از تأدیه مالیات	۱۷۱	۱۷۲
۵	« « « « « « ساروج و کچ و آهک از گمرک	۱۷۲	—
۶	طرح و تصویب خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه پسر مرحوم بهادر السلطنه	۱۷۴	—
۷*	قانون معافیت زراعت چای از تأدیه مالیات	۱۷۵	—
	« « « « « « ساروج و کچ و آهک از مالیات راه	۱۷۵	—
	« تصویب پانزده تومان شهریه در باره پسر مرحوم بهادر السلطنه	۱۷۵	—

* سه فقره قوانین مذکوره فوق اشتباهاً در فهرست مندرجات شماره نمره ۸ درج و اینک تصحیح میشود

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه يكشنبه ۲۷ آذر ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۵

جلسه ۴۳

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای
تدین تشکیل گردید)
صورت مجلس پنجشنبه ۲۴ آذر ماه را
آقای ضیاء قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست ؟
یکنفر از نمایندگان - خیر
رئیس - صورت مجلس تصویب شد

رئیس -- خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات جدیده معارف مطرح است . شور در کلیات است . آقای حقنویس مخالف بودید ؟

حقنویس -- غرضی ندارم

رئیس -- آقای فرهمند

فرهمند -- عرض کنم هر روز که لایحه برای بسط معارف مجلس بیاید بنده آن روز را یکی از بهترین روز های عمر مجلس میدانم و البته احتیاجات ما معارف بیش از اینها است و بایستی بالاخره تصدیق کنیم که آن نقطه اصلی اصلاحات معارف است و تمام آرزو و آمالهای مافرع بر معارف و آن نقطه اصلی است که ما متأسفانه کمتر توجهمان را بدان میدهیم و بجای اینکه بنا را محکم کنیم بیشتر بنقش و نگارش پرداخته ایم . بنده تصور میکنم اگر بجای این لوائح که هر روز بمجلس میآید و یک مخارج گزافی را تحمیل مملکت میکنند و در حقیقت برای همان نجوم و زین و نقش و نگار است اگر آنها را مصرف بنا کنیم زودتر بمقصد میرسیم و بنده انتظار دارم یعنی تنها اید آکی که برای خود تصور میکنم و آرزوئی که دارم آن روزی است که در همین مجلس ششم لایحه تعلیمات عمومی اجباری بمجلس بیاید و آن روز روز اول سعادت مملکت ایران است ولی متأسفانه چیزی که بنده را وادار میکند در اینموقع نسبت باین لایحه اظهار مخالفت کنم یکی این است که نسبت بولایات در هر لایحه که بمجلس میآید خیلی کم دیده میشود یک مراعاتی شده باشد

بعضی از نمایندگان -- صحیح است

فرهمند -- و هرچه هست برای مرکز طهران است در صورتی که مخصوصاً از نقطه نظر معارفی ولایات احتیاجاتشان بیشتر از مرکز است (بعضی از نمایندگان صحیح است) در ماده اول اینقانون بیست هفت هزار تومان برای مؤسسات جدیده طهران منظور کردند در صورتیکه ممکن بود از ده باب مدرسه اکابر برای نمونه و دلخوشی ولایات دوسه باب هم در ولایات در جاهای لازمه برای اکابر یا مدرسه

بموقع و بجا است و البته دولت هم در نظر خواهد گرفت . بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است آقاسید یعقوب -- چطور کافی است ؟ کسی مخالفت نکرد !

یکنفر از نمایندگان -- فرهمند

آقاسید یعقوب -- فرهمند مخالفت نکرد ؛ یکنفر مخالف

اقلاً باید حرف بزند

رئیس -- کافی نیست ؟

جمعی از نمایندگان -- کافی است

رئیس -- رای گرفته میشود برای شور در مواد .

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . ماده اول قرائت میشود .

(شرح آنی قرائت شد)

ماده اول -- بوزارتعالیه اجازه داده میشود که بودجه مؤسسات جدید معارفی را در حدود یک دوازدهم بودجه سالیانه که ماهانه بالغ بر بیست و هفت هزار و دویست پنجاه قران است و مطابق بودجه جزئی که بمجلس تقدیم شده است از تاریخ افتتاح و تأسیس مدارس مزبوره تأدیه نمایند .

رئیس -- آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب -- در شور کلیات باینکه همکار معظم من آقای فرهمند بیاناتی کردند لیکن خود مجلس تصدیق میکنند که مخالفت نکردند تذکر دادند بوزراء که قدری در فکر ولایات باشند ولی اساساً بنده باین ماده مخالفم برای خاطر اینکه توجه میدهم نماینده های محترم را مکرر در همین مجلس ... حالا بنده بفرمایش آقای رئیس تذکر هم نمیدهم بنده همان حقوق وکالتی خودم را انجام میدهم و اظهار میکنم و تعقیب میکنم از وزراء و میگویم تاکی باید ولایات مستعمره مرکز باشند ؟ ده یک صد یک مرکز بولایات توجه نمایند .

بودجه عدلیه را بنده و آقای باستانی تحت نظر گرفتیم می بینیم برای مرکز تنب سیصد هزار تومان برای تمام ایالات و ولایات سیصد هزار تومان . در همین مرکز تنها همین دایره تنها که می بینید سیصد هزار تومان در صورتیکه در مرکز (توجده بفرمائید) پادشاه هست هیئت وزراء هست ، مجلس هست ، هزار ملاحظه و پند گاه موجود است ولی در ولایت هیچکس پیدا نمیشود لاقلاً باید از عدالت مرکز در آنجا باشد . تمام ایالات و ولایات و بلوکات و قصبات و ایالات ایران سیصد هزار تومان بودجه اش هست و مرکز تنها سیصد هزار تومان . این مسئله عدلیه که در موقعش عرض میکنم حالا آمدم سر معارف : بنده عرض میکنم که بروید بقصی نقاط ایران ؛ بروید طرف فارس و بهبهان و فلان جا را نگاه کنید ؛ بروید طرف خراسان و سیستان و قاین را نگاه کنید . بروید طرف بلوچستان میرجاوه و دزداب را نگاه کنید خیر یکقدم سوار شوید بروید ساوجبلاغ و شهریار . اتومبیل دوساعته میبردن . در تمام ساوجبلاغ و شهریار یک مدرسه است و این مدرسه ماهی هشت تومان حقوق معاش است !! اما بیائید بودجه وزارتخانه مرکز را نگاه کنید دارالمعلمین ! دارالمعلمات ! اکابر ! اصغر ! اشراف ! انعام . سادات ! تمام اینها مدرسه میخواهند ! تمام اسامی که در مرکز هست همه مدرسه میخواهند ! دارالقضاة ! دارالسیاسه ! دارالرضاعه تمام اینها را میخواهند . لیکن این اطفالی که در دهات میگردند مدرسه نمیخواهند . بنده عرض میکنم آقا : اکبر ما محتاج نیستند که شش هزار تومان شما برای آنها بدهید . ایالات دیگر ایران را نمیگویم عرض میکنم اطراف طهران را ملاحظه بکنید این مبلغ را بساوجبلاغ بدهید . بدمارند بدهید . بساوه وزرند بدهید . بغاروفشافویه بدهید حالا که همه جا مستعمره طهران است اقللاً اطراف طهران را آباد نگاه دارید !!

آقایان ؛ منحصر نکنید ایران را بطهران !! طهران را هم بچهار خیابان : خیابان لاله زار و خیابان نصریه !!

صرف نظر از هر چیز غضب الهی ما را میگیرد!!
 غضب طبیعت ما را میگیرد!! انتقام ما را نلود میکنند
 بنده بچه مناسبت بیایم و شش هزار تومان برای اکابر طهران
 رای بدهم؟! اکابر طهران بقدری که روزنامه بخوانند
 سواد فرسی دارند!! بقدری که فحش بدهند سواد دارند!!
 حقیقهٔ نمیدانم بچه طریق نگویم!! بطریق سؤال باشد؟
 حاضرم. استیضاح باشد! حاضرم. وعظ باشد حاضرم.
 نصیحت باشد؟ حاضرم. حالا بنده مدرسهٔ مهندسی را
 میگویم هیچ. اما وزیر حق ندارد بدون تصویب مرکز
 صلاحیت دار که مجلس باشد خرجی بکنند. آقایان
 شما قسم خورده اید. این که عرض میکنم که برخلاف
 قانون اساسی نیست. تا مجلس شورای ملی ندهد وزیر
 نمیتواند مؤسسه تاسیس کند و یک خرجی بر مملکت تحمیل
 کند. بعد از اینکه مجلس شورای ملی رای داد آنوقت
 میتواند. انرا هم باید به بینند لازم است یا نه؟ بنده
 عرض میکنم مدرسهٔ مهندسی خیلی خوب است اما مخارج
 دیگر را که آورده اید بنده محتاج الیه نمیدانم. مادار اکابر
 میخواهیم چه بکنیم؟ صغیرهایی ما پامال شدند! شما اکابر را ببرید
 بمقام قاب قوسین؟! بروید سر وقت این صغیرها و این اطفال
 بد بخت حومه طهران را تعلیم نمائید!! این است که
 بنده اساساً با ماده یک مخالف هستم. مگر اینکه این ماده
 را آقای وزیر معارف پس بگیرد و مادهٔ دیگری پیشنهاد
 کند برای مدرسهٔ صنعتی و مهندسی. آن هم از روزی که
 مجلس شورای ملی تصویب میکنند. نه اینکه قبل از
 تصویب مجلس باشد. این بود عرض بنده.

وزیر معارف - فرمایشات آقای آقا سید یعقوب راجع
 بولایات البته بجای خودش صحیح است هیچکس هم نگفته
 است که مملکت ایران منحصر بطهران است البته مملکت
 ایران یک ایالات و ولایاتی دارد که مجموع را ایران میگویند
 ولیکن طهران یک اختصاصی دارد که نسبت به ایالات و ولایات
 بمنزلهٔ یک مدرسه میباشد که معلم تربیت میکند و سایر جاها
 میفرستد و برای هر یک از اینها البته یک اسباب کاری
 لازم است. معلمینی لازم است. اهل فن لازم است.

آن اهل فن را که در ایالات و ولایات نمیشود تهیه کرد زیرا
 اسبابش فراهم نیست و باین جهت دار المعلمین که برای همه
 مملکت لازم است تهیه معلم درست شود در مرکز تشکیل میشود
 برای اینکه در اینجا معلم درست شود و به ایالات و ولایات
 فرستاده شود و علتش هم این است که در اینجا سهل تر است
 دار المعلمین تاسیس شود تا در ولایات. اما اینکه فرمودند
 بولایات هیچ نظری نیست. خیر. اینطور نیست. البته
 نظر همه به تساوی است ولی چون بیشتر آن مؤسسات که
 اساس کار است در طهران واقع شده است بنظر آقایان
 میآید که نظر همه به طهران است در صورتیکه طهران
 فقط برای همان مدارس اساسی است مثل دار المعلمین یا
 مدرسهٔ حقوق یا مدارس متوسطه یا مدارس دیگری که
 همه وقت در پای تخت تاسیس میشود. ولایات هم در نظر
 هست و امیدواریم از روی احتیاج و استعدادی که دارند
 در ولایات هم تاسیس شود و البته اینمقداری که فعلا هست
 کم است و امید است بعد از این در ایالات و ولایات هم
 بیشتر تاسیس شود. بعلاوه تاسیس این مدارس فرع بر بودن
 مدارس ابتدائی است. طهران مدارس ابتدائیش زود تاسیس
 شده از بیست و پنج سال قبل در طهران مدارس ابتدائی
 تاسیس شده است و چون این مدارس ابتدائی تاسیس شده است
 بالطبع مدارس متوسطه و عالی که دنباله همان مدارس ابتدائی است
 در اینجا تاسیس شده ولی در بعضی ولایات هنوز مدارس
 ابتدائیشان بآن درجه نرسیده است که محتاج بمدارس
 متوسطه و عالی شده باشند یعنی در ولایات از شاگردان
 مدارس آنقدر حاضر نشده اند که مثلاً دویست سیصد نفر
 حاضر باشند برای رفتن بمدرسه متوسطه یا در بعضی نقاط
 دویست نفر حاضر نیست که بشود مدرسه عالی تاسیس
 کرد و البته بتدریج در آنجاها هم مدرسه متوسطه و
 عالی تاسیس میشود و اما راجع باین مدارس اکابر که
 میفرمایند. اولاً ماهی شش هزار تومان نیست و سالی
 شش هزار تومان است و ثانیاً این یک عانی داشته است و
 علتش هم این است که بنا بر تجربیاتی که قبلاً شده است

تشکیل این مدارس خیلی سهل و برای دولت هم خیلی
 ارزان تمام میشود و نتیجه اش هم خیلی خوب است زیرا
 در مدت شش ماه هر آدم بی سوادی نوشتن و خواندن
 و حساب کردن را یاد میگیرد و هر مدرسه در ماهی تومان و سی
 و پنجاه تومان بیشتر خرج ندارد در صورتیکه مدارس دیگر ماکه
 طول مدتش هم بیشتر از این است مخارج آن هم خیلی بیشتر از
 این خواهد بود و البته مدرسهٔ اکابر برای ایالات و ولایات
 مناسب تر است برای اینکه کم خرج و سهل الحصول و مدتش
 هم کم است و مقصود هم این بود که خواستیم در مرکز
 یک امتحانی بشود و یک عده معامینی که برای این تعلیم
 بخصوص مناسب هستند. این طریق را یاد بدهند و پس
 از اینکه یاد دادند یک عده معلم حاضر بشوند و از اینجا
 بروند بولایات و عین اینکار را در آنجاها با خرج خیلی
 کم و مدت خیلی کم برای اکابر یا اصغر بکنند که آنها
 بتوانند در مدت کمی بخوانند و بنویسند و معطل نشوند
 پس نظر به کمی خرج و کمی مدت و نتیجهٔ خوب این
 مدارس تاسیس شده است. و نظر اصلی ما در اینجا تهیه
 معلم است برای ولایات و همینقدر که اینها یک ورزش
 کردند و اطلاعاتشان خوب شد میروند در ولایات و نظیر
 این مدارس را در همانجاها تاسیس میکنند و بالاخره
 اهالی ولایات هم محروم نمی مانند. اما در موضوع آنچه میگویند
 که خیلی لازم بوده است و البته تصدیق میفرمائید که لازم است
 از جمله مدرسهٔ صنعتی است که دولت تاسیس کرده و یک
 خرجی هم نموده و از آلمان هم معلم آورده و مشغول کار است
 و هر قدر پیش بروند احتیاجاتشان البته بیشتر است بنا
 بر این محتاج شده اند به یک کلاسیکه کلاس پنجمشان
 باشد زیرا بدون آن کلاس نمیتوانند کار بکنند. از این جهت
 این کلاس پنج برای آنجا در نظر گرفته شده که تاسیس
 شود و اگر آن کلاس نباشد در حقیقت این مؤسسه را
 که دولت یک مبلغ گرانی پول برایش داده است ناقص
 است و آن کاری که دارند از عهده بر نمی آیند. البته
 همانطوریکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند هیچ خرجی بدون

تصویب مجلس شورای ملی نباید بشود و همینطور هم هست ولی در
 اینجا آنچه خرج شده است یک خود از امتحان و زمینها
 بوده است و هیچ نحو تعهدی هم با آنها نشده است حالا
 هم که بعرض مجلس میرسد در واقع مجلس مقدس هرگاه
 را صلاح میدانند و نافع بحال مملکت میدانند تصویب
 می کنند و هرگاه صلاح را صلاح نمی دانند ممکن است حذف
 کنند. البته يك امتحانی قبلاً لازم بود بشود برای
 اینکه بدون امتحان و سابقه يك مطالبی به مجلس نباید
 و فعلاً يك امتحانی شده و سابقه هم بدست آمده و با آنها هم
 گفته شده است که موکول است بنظر آقایان نمایندگان
 اگر آقایان تصویب بفرمایند تاسیس میشود اگر نفرمایند
 نمیشود باینکه آقایان نمایندگان در مسئله معارف بهر صورتی
 که باشد و مخارجش هم هر قدر باشد موافقتند و رای
 میدهند و این مسئله هم برای مردم نافع است و امید
 داریم توجده مخصوصی نسبت بین مؤسسات که برای
 مملکت و ایالات و ولایات هم نافع است بفرمایند مع
 ذلک هر نظری که آقایان داشته باشند آن مطاع و متبع
 خواهد بود

وزیر مالیه - اگر چه آقای وزیر معارف مذاکره
 که لازم بود کردند ولی بنده چون يك مسئله را مکرر
 دیده ام و امروز هم شنیدم ده گفته شد ناچار شدم
 بجای آقای آقا سید یعقوب يك تذکری بدهم و يك وعظی بکنم.
 مکرر دیده ام که در اینجا آقایان اظهار میکنند (طهران)
 مثل اینکه طهران از حدود این مملکت خارج است و
 جزو این مملکت نیست و وزارتخانهها يك شعباتی که در
 جاهای دیگر یعنی در ایالات و ولایات دارند با يك نظر
 سوئی با آنها نگاه میکنند.

بعضی از نمایندگان - (با همهمه) اینطور نیست
 وزیر مالیه - در صورتیکه همه اشخاصی که در طهران
 هستند چه از مجلس شورای ملی. از مقام سلطنت. و زرا
 نمایندگان محترم و مستخدمین و اغلب رجال این شهر همه
 اهل ولادت هستند و بسیار کم دیده میشود که از اهل

طهران در اینجا باشند اگر هم باشد خیلی کم و قلیل منتهی این است که اهل ولایات در اینجا جمع آوری شده اند و يك مرکزی از برای مملکت ایران ایجاد کرده اند و مملکت را هم البته تصدیق میفرمائید که حالت و حکم يك درختی را دارد که تاریخه خودش را محکم نکند بچار نمیتواند شاخ و برگ خودش را باطراف بهین کند امور مملکتی هم باید از مرکز ریشه اش تدارک بشود تا شاخ و برگ باطراف برساند در اینصورت بنده تصور نمیکنم آقایان محترم با اینکه همه شان عدالت دوست هستند و علم دوست هستند بخواهند اظهار کنند که عدالت یا علم طهران یا معارف طهران زیاد است خیر بعقیده بنده طهران هم معارفش بسیار کم است و هم عدالت خاندانش بسیار کم وسعت است و بایستی برای مرکز يك مملکتی مثل ایران هم معارف خیلی بزرگتر از این و هم عدالت خانه وسیع تری تهیه کرد و آنوقت البته باید در تمام نقاط مملکت شعب مختلفه آنرا باقتضای خودش و مقتضای حوائج مردم زیاد کرد و برای تشویق و ترغیب مردم این شعبات را ترویج کرد و بنده عقیده ام این است آقایان نمایندگان هم که همه برای سعادت مملکت ایران اعم از مرکز و ایالات و ولایات باینجا آمده اند در فکر باشند که شعبات اینکارها هم در طهران زیاد شود و هم در ایالات و ولایات که اگر طهران چندین مدرسه عالی دارد در ولایات هم تاسیس شود نه اینکه بفرمایند چرا در طهران هست این است که بنده خواستم تذکر بدهم که همه مملکت را يك طور نگاه کنند و با نظر واحد مرکز و ایالات و ولایات نگاه کنند

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم - در ماده اول عوض کلمه تاریخ افتتاح نوشته شود تاریخ تصویب .

آقا سید یعقوب - گمان میکنم در عرض آقای وزیر معارف متوجه بيك نکته بودند و خودشان هم تصدیق کردند که تمام

قوانینی که بتصویب مجلس میرسد از همان روز تصویب باید اجرا شود و تا خرجی را مجلس شورای ملی ندهد دولت نمیتواند خرج کند و این مسئله در تمام قوانینی که از مجلس گذشته مصرح است و هیچ مرکزی صلاحیت ندارد خرجی بکند مگر اینکه مجلس شورای ملی و نمایندگان ملت که در واقع امین ملت هستند اجازه آن خرج را بدهند . این است که بنده پیشنهاد کردم در ماده اول که نوشته شده است (از تاریخ افتتاح) و زارت مالیه در وجه وزارت معارف بپردازد . بنویسند (از تاریخ تصویب) که هم مطابق قانون باشد و هم مطابق مسئولیت وزراء و روح نامه قوانین باشد این است که بنده این پیشنهاد را کردم .

رئیس -- آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - عرض کنم که آقای آقا سید یعقوب باید توجه بفرمایند (آقای وزیر معارف هم توضیح دادند) اگر خرج شده بود بنده حق را بجانب ایشان میدادم و اعتراض ایشان را تصدیق میکردم که وارد است ولی هنوز خرجی نشده است يك اجازه از مجلس شورای ملی میخواهند که خرجی بکنند و بنده تصور میکنم این يك موضوع قابل توجه و قابل دقتی است چون راجع است بتاسیس مدارس حرفه و مهندسی و صنعتی و البته يك اشخاصی را هم برای این امور استخدام کرده اند و آورده اند و باید حقوقشان داده شود و ضمناً هم همانطور که آقای وزیر معارف فرمودند تعهدی نکرده اند که حتماً با آنها این حقوق را بدهند و واگذار شده است بتصویب مجلس شورای ملی و البته با آن نظر و توجهی که آقایان در خصوص بسط و توسعه معارف دارند و منظورشان اینست که معارف ترویج شود و همیشه در اینخصوص صحبت میکردند (مثل اینکه بنده خاطر میآید که تومانی يك عباسی و خرورازی یکقران از عایدات جنسی مالیاتی را که مجلس رای داد در آن موقع هم نظر همین توسعه معارف بود) و چون این خرج هم نشده بنده تصور نمیکنم تجاوزی از حدود قانون شده باشد که آقای آقا سید یعقوب را عصبانی کرده و وادار کرده است که این پیشنهاد را بکنند در اینصورت ایشانرا

توجه میدهم باینکه عده اشخاصی که تا بحال در این مؤسسات کار کرده اند همه شان زحمت کشیده اند و مقننی است اجازه بدهید از تاریخ افتتاح حقوق بانها داده شود .

رئیس -- آقای مخبر ؟

آقا سید یعقوب - بنده چون این مسئله را حق مجلس میدانم و خیال میکنم که قایلین هم متوجه نباشند و رای ندهند آنوقت يك حقی از مجلس سلب شود این است که استرداد میکنم

رئیس -- این يك مسئله اصلی است و تصور میکنم محتاج برای هم نباشد . بدون تصویب مجلس شورای ملی هیچ زمینیه برای خرج نمیشود تهیه کرد مع ذلک رای میگیریم . آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قایل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس -- قابل توجه شد . پیشنهادات راجع بماده اول بضمیمه خود ماده اول ارجاع میشود بکمیسیون ماده دوم قرائت میشود : (این قسم خوانده شد)

ماده دوم - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که مبلغ بیست و پنج هزار تومان برای مرمت و خرید آتیه و تعمیرات ابنیه معارف و مدارس مطابق مورثی که ضمیمه لایحه است در وجه وزارت معارف پرداخت نمایند .

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- مخارجی که برای تعمیر ابنیه و اثاثیه مدارس پیش بینی شده است

رئیس -- تامل بفرمائید بقیه ماده قرائت نشده بود (بشرح ذیل خوانده شد)

این مبلغ بجمع کل بودجه حاضر جاری ۱۳۰۵ وزارت معارف اضافه شده و از بابت صرفه جوئیهای شاهه اول

بودجه ۱۳۰۵ که برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم شده است محسوب خواهد شد .

رئیس - (خطاب بقای فهیمی) حالا بفرمائید .

فهیمی - عرض کنم مخارجی که برای تعمیر مدارس و ابنیه آنها پیش بینی شده است البته خیلی بموقع است لیکن چیزی که هست غالباً در این قبیل مخارج بقدری ملاحظه صرفه جوئی میشود که بنده می بینم بالاخره هم خرج شده است و هم نتیجه نگرفته اند . در سایر قسمتها بنده اطلاع ندارم ولی يك قسمت که راجع بتعمیر مدرسه قوچان است بنده آنرا خیلی غیر کافی میدانم . در قوچان پنج شش سال قبل يك مدرسه خود اهلی آنجا تاسیس کردند و ساختند و نصفه کاره مانده چند کلاس هم دارد دوسه سال قبل هم اداره معارف در آن دست انداخت که باید تحت نظر دولت باشد و اهلی نباید مداخله کنند بنده خودم آن مدرسه را دیده ام قریب دو سه هزار تومان خرج تعمیر آنجا است که سالن بزرگ مدرسه را که برای کنفرانس است پوشیده و تعمیر کنند و سایر تعمیرات جزئی هم البته دارد و این مبلغ جزئی که در لایحه نوشته شده است کفایت کلیه تعمیرات آنجا را نمیکند يك پولي از کسسه دولت بیرون میرود مدرسه هم تعمیراتش کامل نمیشود . سال بعد هم خرابیهای جدیدی پیدا میشود و اگر ممکن باشد که آقای وزیر معارف يك اعتبار کافی برای آنجا پیشنهاد کنند و مقداری بر این مبلغ بیفزایند که طوری تعمیر شود که باین زودی خراب نشود و مردم راحت باشند خیلی بموقع خواهد بود زیرا حالا که بناست خرجی بکنند البته کامل باشد بهتر است که افلاً چهل پنجاه نفر شاگرد بتوانند در آنجا تحصیل نمایند بعد هم اگر در سال آتیه تعمیراتی مجدداً لازم شد برای تعمیرات ظاهری آنجا ممکن است اعتباری از مجلس بخواهند . شیروانی (مخبر) - اینجا نماینده محترم قدری

ب لطفی فرمودند. برای اینکه اگر بصورت ضمیمه لایحه مراجعه میفرمودید میدیدید که در تمام ایالات و ولایات قاضی درشت تر از قلم تعمیر مدرسه فوجان ندارد مثلاً سخنان یکدوسی تومان، آذربایجان هزار تومان، اسفهان هزار و دوست تومان، برای مدرسه فردوسی و دولتی فوجان هزار و هفتاد و شصت و چهار تومان، مع هذا آقای فهیمی درین جا بی لطفی فرمودند، چون بالاخره باید از روی تناسب محل و از روی احتیاجات محل و جمعیت محل یک تقسیماتی بشود. البته اگر بیش از این مبلغ ممکن بود فوجان بدهند بهتر بود ولی حق فوجان در اینجا خیلی زیاد هم معین شده است.

رئیس -- پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا (اینطور قرائت گردید)

در ماده دوم پیشنهاد میکنم فقره اول پنج هزار تومان بشود محمد ولی میرزا -- بهمان دلیلی که آقای مخبر در جواب نمایندۀ محترم اظهار فرمودند و بنده هم کاملاً تصدیق دارم برای اینکه فوجان وقتی هزار و هفتاد تومان برایش پیش بینی شود حقاً برای تمام آذربایجان خیلی بیشتر از این میزان و مبلغ باید در نظر گرفته شود. علی ای حال یک مسئله را لازم دانستم بعرض برسانم و خاطر نمایندگان محترم را مستحضر تمام و آن این است که برای کتابخانه دولتی تبریز بیست و پنج تومان معین شده. این بیست و پنج تومان -- نه فقط باین مصرف نخواهد رسید بلکه این راوزارت معارف ممکن است جزء صرفه جوئیها منظور بدارد زیرا کتابخانه که در تبریز تأسیس شده قریب هفت هشت سال است دائر است و با مساعدتهایی که از طرف اهالی و آقایان مختلفه آنجا شده دائر شده است و صورت خیلی خوبی دارد متأسفانه بنای کتابخانه قدری شکست خورده است اخیراً هم راپرت این قضیه را بوزارت معارف داده اند و تعمیرات آن را معین کرده و نقشه آنرا هم فرستاده اند قریب دو هزار تومان تعمیرات ضروری انجاست و الا کتابخانه از بین خواهد رفت و این بیست و پنج تومان

اصلاً مفید نخواهد بود و کفایت تعمیرات آنجا را نمیکند دیگر اینکه در تبریز یک کلاس اکازی ایجاد شده است و بنده خوب اطلاع دارم که آنرا هم برای رسیدن مخارج لازمه رئیس معارف عنقریب ناچار میشود بکلی تعطیل کند لذا بنده این پیشنهاد را کردم که در تقسیمات از برای آذربایجان لا اقل پنج هزار تومان بنویسند زیرا بجبهاتی که عرض کردم اگر نخواهند حد معتدل و متناسب را در نظر بگیرند پنج هزار تومان باین حوزه میرسد مخبر -- بنده تصور نمیکم به پیشنهاد آقای بقوان رأی گرفت زیرا وکیل نمیتواند پیشنهاد اضافه خرج کند

محمد ولی میرزا -- اضافه خرج نیست

رئیس -- آقای وزیر مالیه میتوانند این اضافه خرج موافقت کنند؟

وزیر مالیه -- دقت میکنم بعد عرض میکنم

محمد ولی میرزا -- بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدانم مشروط بر اینکه این فقره برگردد بکمسیون و در آنجا با نظر آقای وزیر مالیه اصلاحات بعمل آید

رئیس -- این شرط سابقه ندارد. رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد ...

اصلاً نمیشود رای گرفت زیرا پیشنهاد اضافه خرج است محمد ولی میرزا -- اضافه خرج نیست

رئیس -- هزار تومان نوشته شده شما پنج هزار تومان پیشنهاد کرده اید. در پیشنهاد این طور نوشته اید.

پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت میشود. (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم پس از نمره ۱۹ نوشته شود شهر یزد.

حائری زاده -- یزد اسم يك ولايتی است که مشتمل بر بلوکات و قصبه است که یکی از آنها نائین است. در دوره پیش برای تعمیر و مخارج آئینه مدرسه نائین محل حقوق

آقایان پیرنیارا تخصیص دادند اینجا که نوشته یزد ممکن است این اعتبار جزئی که در اینجا منظور شده باز برای آنجا مصرف شود از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که فقط برای شهر یزد باشد زیرا ما برای نائین تصویب کرده ایم

وزیر معارف -- بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

رئیس -- بجای یزد شهر یزد نوشته می شود پیشنهاد آقای عدل :

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم عبارت بیست و پنج هزار تومان تبدیل بیست و پنج هزار قران شود رئیس -- آقای عدل

میرزا یوسف خان عدل -- اینکه بنده زید عقبه ندارم که واحد اقودر، قران قرار دهیم ولی چون دیده در ماده اول واحد را قران قرار داده اند و نوشته اند بیست و هفت هزار و دوست و پنجاه قران و در ماده دوم واحد را تومان قرار داده اند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که با واحد هر دو را تومان قرار دهند و قران را هر دو يك طور باشد.

رئیس -- در نتیجه و جمع تفاوت حاصل نمیشود بعلاوه پیشنهاد جناب اعلی ممکن است تأیید کند که واحد را قران بگیرند در صورتیکه این مسئله هنوز رسماً تعیین نشده است، آقای مخبر؟

مخبر -- این پیشنهاد را نمیشود قبول کرد زیرا همان طور که مقام ریاست هم بیان فرمودند هنوز تعیین نشده است که واحد پول ما چیست گاهی واحد را قران میگیرند و زمانی تومان باینجهت بنده نمیتوانم قبول کنم دیگر بسته بنظر مجلس است.

رئیس -- چون در نتیجه و جمع اختلافی حاصل نمیشود بهترین است که صرف نظر فرمایند

عدل -- بسیار خوب مسترد میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی: بنده پیشنهاد می کنم که آنچه متعلق به تعمیرات می باشد بماند بجهت سال هزار و سیصد و شش رئیس -- آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی -- بنده قبلاً عرض کرده ام که در مسائلی که مربوط معارف است مخالف نیستم گرچه متأسفانه باینهمه تشکیلات معارفی در عرض این شصت هفتاد سال هنوز يك مهندس نداریم و باز اگر یک نفر مهندس میخواهیم مجبوریم از خارجه بیوریم و یزد هم باین خرجهایی که میشوند نتیجه خواهد ماند حالا بنده از این قسمت صرف نظر میکنم و در اینموضوع عرض میکنم که حالا زمستان است و موقع تعمیر نیست و اگر حالا ده هزار تومان خرج کنند و بعد از زمستان سه هزار تومان گنیم این است بآن سه هزار تومان بیشتر بتوان تعمیر کرد تا باین ده هزار تومان از اینجهت بنده عقیده ام این است که این قسمت تعمیرات بماند برای سال آتی و همینطور پیشنهاد کرده وزیر معارف -- این تعمیرات از هر جا که رسیده است خود آقایان نمایندگان آن محل که آنجا تشریف دارند مطاعند که این مخارج از چه قرار است این مخارج يك چیزهای لازمی است از قبیل بنی بنی و عوض کردن تیر و پوشیدن سقف که خود آقای فیروز آبادی تصدیق خواهند فرمود که اگر حالا بشود خسارت بیشتری متوجه دولت خواهد شد از این جهت هر طور هست باید این مخارج را نمود بعضی جاها بطوریکه خود آقایانهم میدانند کاهگل مالی لازم دارد و بعضی جاها بنی بنی و بعضی جاها عوض کردن تیر که اگر نشود اسباب خطر و ضرر خواهد بود این است که در این موقع این پیشنهاد شد بعلاوه این يك مبلغ جزئی و لازمی است برای تعمیرات خیلی جزئی و فوری که اگر نشود اسباب زحمت خواهد بود و الا بنی بنی جدیدی نیست که برای سال آتی بماند.

رئیس -- رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(معدودی قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حیدری ؛
این بنده پیشنهاد میکنم در صفحه نه عوض کردستان
(مکرری و سلدوز) نوشته شود .
رئیس -- آقای حیدری .

علیخان حیدری -- اینجا در دوجا نوشته شده است
یکی در صفحه ۹ و یکی در صفحه ده اسمی از کردستان
برده است در صفحه ده نوشته (کردستان مدرسه احمدیه
وسقز) این است که بنده پیشنهاد کردم صفحه نه را
سلدوز نمایند .

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- در کمیسیون هم عرض کردم سلدوز جزء
آذربایجان است و ما نمیتوانیم در این لایحه يك چیزهایی
بگنجانیم که مخالف حدود ایالات باشد و نمیتوانیم سلدوز
را بنویسیم که جزو کردستان باشد مکرری جزء ایالت
آذربایجان است وقتیکه گفتیم (آذربایجان) بدیهی است
شامل سلدوز و ساوجبلاغ مکرری و سایر نواحی آذربایجان
هم خواهد شد کردستان مقصود ساندج است ما نمیتوانیم
در تقسیمات ولایتی تصرف کنیم .

رئیس -- تصور میکنم که اگر دقت فرمایند خود
آقای حیدری تصدیق خواهند کرد که این دو موضوع است
در صفحه نه که کردستان نوشته شده است راجع به مخارج
تعمیرات و نواقص آثابیه مدارس آنجا است و در صفحه
ده راجع به تعمیرات ابنیه منصرفی وزارت معارف است
پس این اصولاً دو موضوع است بنا بر این نظریه آقای
حیدری تأمین است بدون اینکه محتاج برای باشیم بهر حال
آقای مخبر چه میفرمایند ؟

مخبر -- بسته به نظر مجلس است توضیحات کافی داده شد
رئیس -- گمان میکنم باین پیشنهاد نشود رأی گرفت

زیرا دو موضوع است .
حیدری -- پس میگیرم .

رئیس -- پیشنهاد آقای میرزا بدالله خان :

بنده پیشنهاد میکنم يك هزار تومان خرید آثابیه برای
مدرسه پیش آهنگی برای مدارس حومه طهران اختصاص
داده شود .

رئیس -- آقای میرزا بدالله خان

میرزا بدالله خان (اظامی) -- متأسفانه در شورکلیات نوبت
به بنده نرسیده و همینطور در ماده اول هم اجازه خواسته بودم
باز نوبت به بنده نرسید و حالا ناچارم در قسمتی که
پیشنهاد کرده ام مختصری از عرایض خود را بعرض برسانم
مخصوصاً راجع بماده دو عرض میکنم در چهار فرسخی
طهران بنده ورود کردم يك قریه مخصوصاً اسم ده را
هم میبرم که تصور نکنند اغراق است . بقریه زرنا رسیدم
آنجا دیدم بکمفر مامور از طرف حکومت کن دو روز
است در قریه زرنا متوقف است -- زرنا دهی است از
بلوک غار و جزء ساوجبلاغ و شهریار هم نیست -- علت
برسبدم اظهار کرد دو روز است من از طرف حکومت
کن و سولقان کاغذی آورده ام برای کدخدا و يك سواد
دار در اینجا نیست که بتواند اینکاغذ را بخواند . بنده
در ذیل همان مراسم حکومت نوشتم خیلی متأسفم که
دوات اینقدر اهمیت بمركز طهران میدهد ولی به پشت
دروازه طهران ابداً توجهی ندارد .

آقایان ! انصاف بدهید برای مدرسه پیش آهنگی هزار
تومان معین می کنند ؛ برای اکابر که نمیدانم برای چه
روزی است و در سر پیری چگونه انسان میتواند تحصیل
کند مدرسه درست میکنند اما اطراف طهران (بلوک
غار) دارای مدرسه نیست فقط بکمدرسه در حضرت
عبد العظیم هست . آقای وزیر مالیه فرمودند (مرکز
اهمیت دارد) بنده در همان مرکز حرف دارم ...

رئیس -- ماده ۶۳ نظامنامه اجازه نمیدهد که در

مركز هم زیاد حرف بزنید . قدری مختصر تر بفرمایید
نظامی -- بنا بر این استدعا میکنم آقایان يك توجه
و تفضلی باین بچه های رعیت بیچاره که بنا پول میدهند
و ما خرج میکنیم بفرمایند . مدرسه پیش آهنگی و
فلانقدر لوازمات آن تصور نمیکم اهمیتش بیش از اطفال
این دهات اطراف شهر و پشت گوش شدن باشد .

وزیر معارف -- بنده يك کلمه میخواهم خدمت
آقایان عرض کنم که هی میفرمایند مدرسه اکابر بنده
نمیدانم . علت اینکه اطفال میتوانند تحصیل کنند و
اکابر نمیتوانند چیست ؟ چه دلیل دارد که اکابر نباید
تحصیل کنند کی آنها را محروم از تحصیل کرده است
در کجا معین کرده اند که اگر کسی سنش از پانزده سال
و بیست سال تجاوز کرد و خواست تحصیل کند محروم
باشد بنده ندیدم همچو چیزی از مجلس شورای ملی گذشته
باشد که اکابر محروم از تحصیل باشند البته بهمان درجه
که اصغر را می فرمایند بهمان درجه اکابر هم حق دارند
تحصیل کنند . همه افراد این مملکت هستند ؛ طفل مان
این مملکت است بزرگ هم مال این مملکت است نمیشود
گفت بزرگ حق ندارد و خواهد مرد پس بهمان درجه
که برای اطفال مدارس لازم است برای اکابر هم لازم است
منتهی اگر ناچاراً برایشان پیشنهاد نشده است این دال بر این
نیست که آنها هم از این حق محروم باشند هر فرد ایرانی
حق دارد که بگوید من میخواهم سواد داشته باشم و این
حق او است که بخواهد ودولت هم باید در مقابل محلهائی
باز کند برای مردم هم برای اصغر و هم برای اکابر و حالا
هم شاید از ملل دیگر که آمده اند ما اگر بتوانیم باید
کورهای خودمان را هم بسواد کنیم . هم بزرگ باید بسواد
باشد بچه هم کور . اما این مسائل مسائل مضافی است
و مسائل مضافی را در جای خودش و مسائل معارفی را در
موقع خودش باید صحبت کرد مقصود بنده تذکر بود
که میفرمایند مدرسه اکابر لازم نیست . این چیز تازه ای
نیست این يك حق ملی و حق تمام افراد مملکت است اکابر

يك حقی دارند اصغر هم يك حقی منتهی آنجا شروع
شده بود بمدراس اطفال و حالا برای بزرگ ها هم مدرسه
نمیس میشود که ادای حق آنها هم بشود .
بعضی از نمایندگان -- پیشنهاد يك مرتبه دیگر
فرائت شود .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس -- آقای مخبر

مخبر -- بسته است بنظر مجلس

رئیس -- تبدیل محل است رأی گرفته میشود بمقابل توجه
اودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد . پیشنهاد آقای بهبهانی
بضمیمه ماده دوم ارجاع بکمیسیون میشود . آقایان
موافقت چند دقیقه بنفس داده شود ؛
بعضی از نمایندگان -- صحیح است .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای رفیع سؤالی دانستند .

حاج آقارضا رفیع -- قبل از اینکه داخل سؤال از
آقای وزیر مالیه بشوم میخواستم مسئله را بعرض مجلس
برسانم . در چند روز قبل در ضمن سؤال از وزیر
داخله در باب فروش بترین و سوخت محبوسین
نظمیه يك سوء تفاهمی شده و بنده خیلی خوشنودم
از این پیش آمد برای خاطر اینکه بنده میل داشتم يك
موقعی پیدا کنم که از تشکیلات نظمیه شهر و از عملیات
سرهنگ محمد خان در مجلس شورای ملی اظهار قدر دانی
بکنم . عملیات ایشان خیلی خوب است مخصوصاً اشخاصیکه
ده بیست سال قبل را دیده اند میدانند عملیات این شخص
در خدمتگذاری با امنیت مملکت چقدر قابل تقدیر است
مخصوصاً در تشکیلات کمیساریاها و اشخاص خیلی خلیقی
که برای ریاست کمیسرها در هر محل معین کرده اند و

بنده علاوه می‌کنم که آثارها هم خیلی اخلاقی هستند و بالاخره يك تشکیلات خیلی صحیحی است سؤال بنده از آقای معاون وزارت داخله برای این بود که بدنام ترتیبی برای فروش بزرگ داده اند یا خیر؟ گمان می‌کنم سوء تفاهم در جواب ایشان شد برای اینکه ایشان گفتند ترتیبی داده شده است اخیراً يك کاغذی از ایشان رسیده است که نظامنامه در دو سال قبل برای مسئله بزرگ تدوین یافته و مخصوصاً قبل از اینکه تذکر داده شود خودشان در این فکر بوده اند که يك ترتیبی در این کار بدهند و خیلی هم نظامنامه خوش است. در باب محسوسین نظمی هم نظر بنده بوزارت داخله بود که نظمی بنده میدانم که هر چه بنظمیه می دهند تصرف می‌برند و خرج می شود خواستم بوزارت داخله بگویم شما در این موقع زمستان يك پیشنهادی بنمائید که انحصاری که حسابند و سوختی ندارند در زمستان و سرما در زحمت نباشند این بود که بعرض مجلس رسانده. عرض کنم سؤال بنده از وزارت مالیه راجع به مالیات گیلان است و در چند جلسه قبل سؤال کردم فرمودند چیزی نترسید خلاف قانون از آنها گرفته نمیشود اخیراً هم نماینده محترم فومن در يك ساعت قبل سؤال کردند ولی موفق باخذ جواب نشدند و ترتیب سؤال این است خواهش می‌کنم آقای التفات بفرمایند و جواب سؤال بنده را از روی قانون بدهند. قانون ممیزی در مجلس تدوین یافت و چندین دفعه اغلب آقایان اینجا فریاد زدند که بعضی جاها برای مالیه صرفه ندارد عمل نمی‌کنند و اگر فائده دارد عمل می‌کنند و حقیقت آن روز من متذکر نبودم و حالا می‌فهمم حق بجانب آقایان بوده است. این قانون برای مملکت است و وقتی اهالی يك مملکتی فریاد می‌کنند ما حاضریم از روی قانون بشما مالیات بدهیم وزارت مالیه حق ندارد بگوید من هنوز میل ندارم مطابق قانون رفتار کنم. بالاخره مردم فریاد میزنند که آنچه مجلس امر کرده است ما همان را

میخواهیم تأدیه نمائیم!! امروز برخی در گیلان قیمت ندارد. پول نیست. باید بفروشند متجاری و مالیات بدهند و الا برخی در مازندران و گیلان قیمت ندارد برخی که پوطی دوازده قران بود امروز پوطی چهار قران است و يك پوط و دو پوط هم بیشتر نمیتواند بفروشند. هزار پوط و دو هزار پوط نمیتواند بفروشند تاجر نمیکرد چون نمیتواند بفروشد. مردم پول ندارند. بالاخره مجبور هستند جنس بدهند. وزارت مالیه می‌گوید چون من آنوقت جری بیست و پنج قران می‌گرفتم حالا هم همان قدر جنس من بدهید اگر بنا باشد به تسعیر برخی آن روز امروز برخی بدهند هر چه زارع کاشته باید بدهد بوزارت مالیه تا این محل را بزرگند بعضی شان هم انقدر ندارند. بنده نمیدانم بچه مناسبت؟ بچه دلیل؟ یا اینکه مجلس میگوید مطابق قانون هیئت وزراء می‌گوید مطابق قانون، آقای وزیر مالیه می‌گوید مطابق قانون، مردم هم فریاد می‌کنند مطابق قانون بنده نمیدانم چه کسی قدرت دارد بالاتر و اعلی تر از مجلس شورای ملی و این جمع باشد؟ بنده که نمی‌شناسم!! استدعا می‌کنم بمن جواب بدهند که بالاخره چه نتیجه حاصل شده تا ما هم جواب مردم بدهیم. این نمی‌شود!! آقا: ما بشما رای اعتماد دادیم برای اینکه مطابق قانون با مردم رفتار شود و بنده با کمال اذعان که بشخص آقای وزیر مالیه و همچنین به اغلب اعضاء هیئت دولت دارم ولی وقتی می‌بینم مردم شاکیند و هم خواهم کرد از شما زیرا من یکسفر نیستم آقایان هم هستند. جمعیت داریم، این وضع بد وضعی است و خواهش می‌کنم با مردم از روی قانون رفتار شود.

رئیس -- آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه -- شاید آقایان تصور میفرمایند اگر هیئت قانون ممیزی موقع اجرا گذارده شود بسهولت انجام میشود. این طور نیست این قانون البته يك تفاوتی در کار میدهد که مساماً اسباب يك شکایاتی را فراهم میکند آن شکایتها اگر عادلانه باشد باید رفع شود و اگر غیر

عادلانه باشد بایستی بانها حلی کرد که رفع شکایت بشود در مسئله مالیات عجله همین طور که آقای قائم مقام الملك فرمودند رعیت برخیش فروش نمیرود در عسرت است اما از آن طرف هم عجله مکلف است مالیات دولت را اخذ کند. در هر حال يك مصادماتی در این موضوع واقع شده و بنده تصور می‌کنم بهترین موضوع این است که این مسئله را درین دو روزه آقایان نمایندگان گیلان هر دو شان لطف بفرمایند بوزارت مالیه تشریف بیاورند بنده هم رئیس مسؤل اینکار را می‌خواهم و يك مذاکره می‌کنیم که اسباب آسایش مردم بشود و وزارت مالیه هم تکلیف خودش را بداند و تصور می‌کنم این بهترین وجهی باشد. چون حالا بنده اگر بگویم مالیه تعدی نکرد یا نکرد یا شکایت آنها رفع شد یا نشد منجر به يك مقصودی نمیشود. پس در این دوسه روزه آقایان تشریف بیاورند و این کار را با حضور آنها رسیدگی می‌کنیم که اگر نواقص در کار است رفع شود و بطور عادلانه هم بتوانند قانون را اجراء کرده باشند

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع -- عرض کنم بنده کوتاهی نکرده ام سه مرتبه بمالیه رفیق ام و با معاون وزارت مالیه و سایرین قریب چهار ساعت پنج ساعت حرف زدیم در روز هم با کلنل ماک کرماک به تلگرافخانه رفتیم و با حضور ایشان مردم را خواستیم آقایان هم پیشکار مالیه را خواستند هر چه گفتیم که ما رفیق ام و اینطور قرار داده ام شما هم بمامورین خودتان دستور بدهید که از روی قانون با مردم رفتار کنند بجائی نرسید. بنده عرض می‌کنم شما امر کنید و او را همراه کنید. بنده از مستشار و کلنل ماک کرماک راضی هستم و همراهی کرده اند با فکر من و مساعدت کرده اند ولی پیشکار مالیه رشت حرف اینها را قبول نکرد و گفت نظریات من این است و هیچ فایده هم ندارد حالا هم هر وقت میفرمائید بنده در وزارت مالیه حاضر شوم. وزیر مالیه -- روز چهارشنبه بنده حاضرم که آقای تشریف بیاورند و این کار خاتمه پیدا کند اجازه میفرمائید

چند فقره لوائح است که تقدیم مجلس می‌کنم. یکی راجع مسئله گاو میبری است که عجلتاً يك لایحه برای مك بلاکین و رعایاییکه گاو شان مرده و بید گاو نندارک کنند تهیه شده که بعرض مجلس میرسد. یکی هم امتدزی است که حاجی کاظم علی اصغر زاده کوزه کشانی برای سد رودخانه فاروق رمان خواسته است که بعرض مجلس میرسد یکی دیگر راجع بمضالبت کمپانی شنیدر کرور است که از بدست سال دین طرف مانده و همدساله اسباب زحمت میشود این را هم تقدیم می‌کنم که تکلیفش معلوم شود. یکی حقوق دوسه نفر از اتباع خارجه است که يك طلب جزئی دارند که بایستی بتصویب مجلس شورای ملی برسد و چون ماه آذر هم رو به ختمه است استدعا میشود که لایحه چهار دوازدهم که تقدیم شده است برای جلسه آتی جزء دستور گذارده شود

رئیس -- بکمیسرینهای مربوطه فرستاده میشود. خبر

کمیسرین قوانین مالیه راجع بمفعیت چای مطرح است (شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده -- زراعت چای در تمام مملکت ایران از بر داشت اولین محصول نوده سال از تأدیبه مالیات معاف خواهد بود

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع -- موافقم

رئیس -- آقای غلامحسین میرزا

غلامحسین میرزا -- موافقم

رئیس -- آقای دادگر

میرزا حسین خان دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای افشار

میرزا رضا خان افشار -- موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد؟

گفتند خبر

رئیس -- رای گرفته میشود باین ماده باورقه .

(اخذ آراء شروع شد)

رئیس -- اخذ اوراق رای تمام شد

(تعداد آراء بعمل آمده ۸۹ ورقه سفیدتعداد شد)

رئیس -- عده حاضر نمود ، با اکثریت هشتاد و نه رای

تصویب شد . خبر دیگر کمیسیون قوانین مالیه راجع به

معافیت ساروج و گچ و آهک از گمرک مطرح است

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده -- دراصلاح بند هفتم از ماده اول قانون

۱۹ بهمن ۱۳۰۴ راجع بآلغاء بیج راه بوزارت مالیه اجازه

داده میشود که ساروج و گچ و آهک را که از مملکت

خارج میشود از نادیه مالیت راه معاف دارد

رئیس -- آقای بامداد

میرزا محمدعلیخان بامداد -- موافقم

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع -- موافقم

رئیس -- آقای زوار

حاج اسدالله زوار -- موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد ؟

محمد ولی میرزا -- بنده مخالفم

رئیس -- بفرمائید

محمد ولی میرزا -- با وجود اینکه در شور اول بنده

عرایض و نظریات خودم را در موضوع صادرات بعرض

رساندم و راجع بمعافیت آنها عرض کردم حالا هم راجع

بمخروج مواد مندرجه در لایحه از حضور آقای وزیر مالیه

استفاده میکنم که تذکر بدهم تخمیلی که بصادرات ما بعنوان

عوارض شده است باید تجدید نظری در آنها بشود . چنانچه

در چند روز قبل با اطلاع نماینده مالیه و نظر گمرک

یک طرح قانونی راجع بیکی از آنها نماینده محترم آقای

فرشی تقدیم کردند از اینها بسیار است ولی آن راجع

بواردات بود که طرف احتیاج عمومی بود و همین طور

بطور کلی بعقیده بنده باید صادراتیکه از مملکت ما خارج

میشود هیچوجه تخمیلی با آنها وارد نشود . من جمله مسئله

فرش است . مسئله خشکه ناراست که فوق العاده بر اینها

تخمیلات میشود و بنده انتظار دارم هرچه زود تر تجدید

نظری بکنند و یک پیشنهادی بمجلس تقدیم نمایند که

این ماده که سابق وضع شده است اصلاح شود

یکنفر از نمایندگان -- آقا که مخالف نبودند

رئیس -- پیشنهاد آقای دکتر طاهری .

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بعد از که آهک اضافه شود و سنگ ساختمان

و سنگ طاحونه و آجر .

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری -- بنده هم معتقد بودم که کلیه

صادرات از باج راه و مالیات جدید معاف باشند ولی

چون در مقدمه این خبر ذکر شده و مالیه وعده داده

است که در اسرع وقت لایحه تهیه نمایند لهذا بنده باین

پیشنهاد اکتفا کردم و عقیده ام این است که چون سنگ

ساختمان و سنگ طاحونه و آجر جزء اشیاء کم قیمت است

و در این ردیف است لهذا پیشنهاد کردم اینها را هم ضمیمه

کنند و گمان میکنم آقای مخبر هم قبول بفرمایند

فهمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) -- آقای طاهری

نباید کردند نظر کمیسیون را زیرا این موضوع در

کمیسیون بانمایند مالیه مذاکره شد و کاملاً هم موافق بودند

که قبول شود . این است که بنده هم پیشنهاد آقای دکتر

طاهری را باعرض تشکر قبول میکنم و استدعا میکنم ضمیمه

ماده شود

رئیس -- آقای وزیر مالیه موافقت ؟

وزیر مالیه -- در اینموضوع یک چیزهایی در صورت

و از مالیات معاف باشند .

وزیر مالیه -- بنده راجع بسنگ ساختمان نمی توانم

موافقت بکنم لیکن برای سنگ آسیا و سنگ هائیکه

برای بناء استعمال می شود می توانم موافقت کنم . چون

راجع بسنگ ساختمان شاید فردا یک کسی یک لوزمی

را بسنگ های خیلی قیمتی بسازد و بخواهد بخارج ببرد آنوقت

سبب زحمت مالیه می شود . این است که بنده تصور

می کنم درین مورد نمیشود موافقت کرد .

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری -- مقصود از سنگ های ساختمان

سنگ هائی است که برای بنائی مصرف دارد اگر کله

بنائی اضافه شود رفع شبهه ایشان میشود که اضافه

می کنم و اگر باز مورد تردید است که قسمت سنگ

ساختمان را پس میگیرم .

رئیس -- بنده گمان می کنم در اینجا حق با آقای

وزیر مالیه باشد زیرا سنگ هائیکه برای ساختمان

استعمال میشود سنگ سمنق است . سنگ مرمر است که

برای هزاره بناء استعمال میشود . علی ای حال چون محل

اختلاف شده باید رای بگیریم بقابل توجه بودنش ...

طاهری -- قسمت سنگ ساختمان را مسترد میکنم

رئیس -- پس سنگ آسیا و آجر بقی میباشد . نسبت

باین قسمت مخالفی نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس -- رای میگیریم بماده واحده بااضافه این دو

کله . با ورقه .

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس -- اخذ اوراق رای تمام شد .

آقایان امیر تیمور کلالی و نگهبان اوراق آراء را تعداد

و ۸۱ ورقه سفید شماره شد)

رئیس -- عده حاضر هشتاد و نه . با اکثریت هشتاد و

یک رای تصویب شد .

گمرکی نوشته شد که معاف باشند و اینهاستیکه اظهار

فرمودند بنده نمیدانم در آصورت هست یا نه ؛ اگر باشد

موافقت میکنم که اینها هم از گمرک معاف باشند

میرزا حسینخان دادگر -- بفرمائید مجدداً قرائت کنند

مجدداً پیشنهاد آقای دکتر طاهری بشرح سابق

خوانده شد

وزیر مالیه -- سنگ ساختمان را بنده نمیدانم شاید یک

سنگ قیمتی باشد که نشود در اینجا داخل کرد . مثلاً شاید

سنگ ساختمان سنگ سمنق باشد یا مرمر باشد ولی سنگ آسیا

و آجر را موافقت میکنم که از حقوق گمرکی معاف باشند

مخبر -- عرض میشود که سنگ مرمر بهمان ترتیبی که

آقایان هم اظهار فرمودند جزو صادرات مملکت است . نباید

ارزش چیزی گرفته شود . در قانون مالیات راه هم بطور

کلی نوشته شده از اشیائیکه اسم برده نشده یک هن ده شاهی

اخذ شود و یک تبصره هم دارد که از اجناسی که قیمت

آنها از یکم چهار قران کمتر است و اسم برده نشده یکم

دو شاهی و از صادراتیکه کمتر از یکم سی شاهی ارزش

دارد یکم یکشاهی گرفته شود . بنابر این سنگ مرمر

را بهر ترتیب هم که حساب کنید و بیس از یک من

سی شاهی هم که قیمت بگذارید منی دو شاهی باید

گرفته شود و این چیز زیادی نیست و هیچ فایده

ندارد بعلاوه مقصود از سنگ ساختمان که پیشنهاد

شده این نیست که یک چیز هائی و لوازماتی را با

سنگ مرمر بسازند و خارج کنند و اسم سنگ ساختمان

را رویش بگذارند . خیر . اینها جزء اشیاء مستعمله

محسوب می شود و مالیات علیجده برایش معین شده

ولی مقصود از سنگ ساختمان سنگ هائی است که

برای بنا و بنی و غیره لازم می شود یکی هم سنگ طاحونه

است . آجر است و اینها حقیقه چیز قابلی هم نیست که

از آنها مالیاتی گرفته شود و بهتر این است همانطوریکه

در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره شد و توافق نظر

بود ایشان هم موافقت فرمایند که اینها هم ضمیمه شود

خبر کمیسیون بودجه راجع بشهریه پسر مرحوم بهادر السلطنه مطرح است ماده واحده قرائت میشود: ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است ماهی پانزده تومان شهریه از محل حقوق مرحوم بهادر السلطنه درباره حسنخان پسر بزرگ آن مرحوم که در راه خدمت بدولت کتفش معیوب گردیده برقرار نموده و مادام العمر از محل شهریه و مستمریات بپردازد.

رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده اولاً عرض میکنم کمال موافقت را دارم که هرکسی در مملکت فقیر و پریشان است و از يك راه مشروعی اعانه و اعاشه ندهند و بلا کمک کنند ولی در اینجا نمیتوانم موافقت کنم و رای بدهم که از يك مردم فقیر وجهی گرفته شود و بدیگران بعنوان شهریه داده شود علاوه بر این اگر بنا باشد این مسئله در مجلس شیوعی پیدا کند هر روز يك شخصی يك پیشنهادی میدهد بوزارتخانه و وزارت خانه بمجلس پیشنهاد میکند و تقاضای شهریه میکند مجلس هم با قبول میکند یا رد میکند. اگر قبول کند از روی چه قانونی از برای صلاح مملکت از روی قانون مذهب از روی چه قانونی؟ اگر هم رد کنند بمحظورات می افتند پس بنده باین ملاحظات باین قبیل پیشنهادات مخالف هستم مگر موقع خیلی ضرورت پیدا کند و چاره نباشد

شیروانی (خبر کمیسیون بودجه) - اتفاقاً راجع به موضوع شهریه ها بنده هم با آقای فیروز آبادی هم عقیده هستم. لکن موضوع این شهریه این است که یگنفر در راه خدمت بدولت و انجام وظیفه يك قسمتی از بدنش ناقص شده که امروز قادر بکار و اعاشه نیست البته ممکن است در توی کوچه هم يك اشخاصی بیفتند و دست و پایشان بشکنند و اقامت ممکن است ایراد کنند که باو هم باید شهریه داد ولی در این مورد اینطور نیست و بالاخره این شخص مستخدم دولت بوده است.

ما هم اینجا نشسته ایم و از نقطه نظر وظیفه که داریم

در دخل و خرج مملکت ملاحظه می کنیم چیزهایی را که لازم است تصویب می کنیم و چیزهای غیر لازم را رد میکنیم و این مستخدمی که در راه انجام وظیفه اعضایش ناقص شده و قادر نیست که برود شغل دیگری پیدا کند این جزئی حقوق را البته آقا هم موافقت میفرمایند چون يك قلم در شقی هم نیست که بگوئیم کم کنیم. خبر يك شهریه جزئی است برای يك شخص که هیچ وسیله برای اعاشه ندارد

رئیس - رای گرفته میشود بماده واحده با ورقه ..
اخذ آراء بعمل آمد

رئیس - اخذ اوراق رای تمام شد
(اوراق آراء تعداد و بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)
ورقه سفید علامت قبول (۵۱) ورقه کبود علامت رد (۲)

رئیس - عده حاضر هشتاد و نه با کثرت پنججاه و يك رای تصویب شد. نسبت به قانون معافیت چای در اوراق راینکه اخذ شده است معلوم میشود آقای جهانشاهی بجای یکورقه دو ورقه داده اند بنا بر این از هشتاد و نه رای که اعلام شد يك رأی کسر میشود. عده از آقایان تقاضای ختم جلسه را کرده اند. جمعی از نمایندگان صحیح است.

رئیس - جلسه آتی سه روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر - چیزهاییکه مهم است و حاضر برای دستور است اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش خالصجات بعد هم خبر کمیسیون بودجه راجع باعتبار پرداخت حقوق منتظرین خدمت

وزیر مالیه - استدعا کرده بودم خبر کمیسیون بودجه راجع بچهار درازدهم هم برای جلسه آتی جزو دستور شود.
رئیس - بسیار خوب اگر حاضر شد ممکن است.
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

معافیت زراعت چای از تادیه مالیات

مصوب ۲۷ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده - زراعت چای در تمام مملکت ایران از برداشت اولین محصول ده سال از تادیه مالیات معاف خواهد بود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و پنج شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی: سید محمد تدین

قانون

معافیت ساروج و کچ و آهک از تادیه مالیات راه

مصوب ۲۷ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده - در اصلاح بند هفتم از ماده اول قانون ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ راجع بلغاء باج راه بوزارت مالیه اجازه داده میشود که ساروج و کچ و آهک و سنک طاحونه و آجر را که از مملکت خارج میشود از تادیه مالیات راه معاف دارد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و پنج شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی: سید محمد تدین

قانون

اجازه پرداخت پانزده تومان شهریه درباره حسن خان پسر مرحوم بهادر السلطنه

مصوب ۲۷ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است ماهی پانزده تومان شهریه از محل حقوق مرحوم بهادر السلطنه درباره حسن خان پسر بزرگ آن مرحوم که در راه خدمت بدولت کتفش معیوب گردیده برقرار نموده و مادام العمر از محل شهریه و مستمریات بپردازد

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و پنج شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی

سید محمد تدین